

تردیدی نیست که بین آثار ادبی بزرگ سده‌ی بیستم دو رمان برتر از دیگر آثار بوده است. اولین، داستان «اولیس» جیمز جویس است و دیگری «سفر به انتهای شب» نوشته‌ی لوئی فردیناند سلین. نویسندگان هر دو رمان، مرزهای این قالب ادبی را در هم می‌شکنند و خود مرزها و معیارهای جدیدی برای رمان پدید می‌آورند. جویس تک‌گفتار درونی را در اثر خویش تکامل می‌بخشد و با این شیوه‌ی روایت، حس و اندیشه‌های شخصیت‌های رمان را به گونه‌ای نمادین و متناسب با قالب رمان مطرح می‌کند و به این ترتیب «جهان روزمره‌ی آن دوره» را بس زیبا و دلکش به توصیف می‌کشد.

اما سلین راهی کاملاً متفاوت را برمی‌گزیند، یعنی باز هم قالب شکنی می‌کند، توصیف خطی داستان را بر هم می‌ریزد و خرده‌های آینه‌ی در هم شکسته‌ی رمان را دوباره به سبک ویژه‌ی خود کنار هم می‌چیند. از این دیدگاه می‌توان «سفر به انتهای شب» را در تضاد کامل با «اولیس» جویس دانست. این رمان در سال ۱۹۳۲، یعنی زمانی منتشر شد که سلین سی و هشت ساله بود و با انتشار آن غوغایی در فرانسه بر پا کرد.

تا پیش از این زمان هرگز کسی تا این حد بی‌رحمانه و ویرانگر و در عین حال هنرمندانه به تمدن بشری نتاخته بود. «سفر به انتهای شب» گونه‌ای بازگویی زندگی خود نویسنده است که در آن زمان کمونیست و صلح طلب بود. او از سوی اتحادیه‌ی ملل مامور می‌شود برای تحقیقات

پزشکی به آفریقا سفر کند و مدتی هم در کارخانه‌ی فورد آمریکا کار می‌کند. سلین در کتاب «سفر به انتهای شب» تصویری پیکارسک از زندگی فردیناند بارداموس، دانشجوی پزشکی، ارائه می‌کند که پس از شروع جنگ جهانی اول داوطلبانه به ارتش می‌پیوندد و به جبهه اعزام می‌شود، اما چندان نمی‌پاید که فردیناند خود را به دیوانگی می‌زند و سر از آسایشگاه روانی در می‌آورد. این انسان سرخورده از آرمانگرایی به آفریقا می‌رود و در تب و هم آلود خویش می‌سوزد و بعد هم راهی آمریکا می‌شود. مدتی در آمریکا در کارخانه‌ای کنار خط تولید کار می‌کند و با ورطه‌های هراس‌انگیز «جهان جدید» آشنا می‌شود. سر آخر به فرانسه باز می‌گردد و تحصیل پزشکی را به پایان می‌رساند و از نیمه‌های راه رمان فقیران حومه‌ی پاریس را درمان می‌کند و در همان جا می‌ماند.

این کتاب حدود هفتصد صفحه‌ای، خروشی علیه جهان و مناسبات حاکم بر آن است، علیه اخلاق و ملاک‌های اخلاقی زمان جنگ، استعمار و سرمایه‌داری و در کل جامعه‌ی بورژوازی. این چنین هیچ بخشی از تمدن بشری از دیدگان تیزبین و سخت‌انگار سلین پنهان نمی‌ماند. سلین از ثروتمندان و فقیران، افراد سالم و بیماران، سفیدپوستان و سیاهان، پیران و جوانان، خلاصه از آدمیزاد متنفر است. حتی زبان او نیز چنان با رخدادهای پیرامونی عجین شده است که بس خشن و هراس‌انگیز به نظر می‌رسد. این چنین سلین، این داستان‌سرای بی‌همانند فرانسه، سبکی بی‌همتا را پدید می‌آورد.

نویسنده با دقتی بسیار و ظرافتی بی‌حد و حصر از اصطلاحات عامیانه استفاده می‌کند و حتی جمله‌ها را بریده بریده می‌نویسد و با اوج آن برج بابلی که بنا می‌نهد سه نقطه می‌نشانند. این چنین حتی زبان رسمی را هم تحقیر می‌کند. به همین دلیل به نظر من امکان ندارد که کسی این اثر را بخواند و اسیر سحر و جادوی زبان آن نشود.

«سفر به انتهای شب» شاهکار هول‌انگیز توانا‌ترین داستان‌نویس سده‌ی بیستم و همان کسی است که موج اندیشه‌هایش کرانه‌های رمان را در می‌نوردد. حتی لئو تروتسکی درباره‌ی این کتاب می‌نویسد: «انقلابی در رمان بود.» این داستان هم چنین بازگویی داستان سقوط و افول بشریت در سده‌ی گذشته است.

سلین در سال ۱۹۳۶ پس از اقامتی کوتاه در اتحاد جماهیر شوروی اندیشه‌ها و آرمان‌های کمونیستی خود را یکسره به فراموشی می‌سپارد و همان سال در داستان «مرگ قسطی» طرح قصه‌ی زندگی فردیناند بارداموس را می‌ریزد. اما در سال ۱۹۳۷ یکی از سه نوشته‌ی او علیه یهودیان منتشر می‌شود. بعدها در کسوت پزشک به حکومت ویشی خدمت می‌کند. ارنست یونگر درباره‌ی سلین در سال ۱۹۴۱ می‌نویسد: «سلین | درباره‌ی حس غریب و شگفتی خود از

این که ما یهودیان را با تیر خلاص نمی‌کنیم، به دار نمی‌کشیم و خلاصه نسل آن‌ها از روی زمین پاک نمی‌کنیم، حرف می‌زد... حتی تعجب می‌کرد که سربازی سرنیزه‌ای در اختیار خود داشته باشد و از آن استفاده نکند.»

پس از رهایی فرانسه از اشغال آلمان سلین که غیابی محکوم به مرگ شده است، همراه زن و گربه‌اش به آلمان و بعد دانمارک فرار می‌کند و زندگی سخت و فقیرانه‌ای را در آن جا می‌گذراند. مدتی هم به زندان می‌افتد و در سال ۱۹۵۱ به دلیل اشتباهی که در نامش پیش می‌آید، عفو می‌شود و به فرانسه بر می‌گردد. سلین تنها و منزوی تا زمان مرگ خود، یعنی سال ۱۹۶۱ در منطقه‌ای دور افتاده از فرانسه فقیران را مداوا می‌کند و آخرین آثارش را با انتقاد از سرنوشت خود می‌نویسد. در این رمان‌ها سلین نفرت خود از آلمان را بیان می‌دارد و کینه‌ی خود از یهودیان را چندان مهم نمی‌داند. این رمان‌ها بیشتر تسویه حساب‌هایی شخصی و لبریز از نفرت به جهان است.

بحث‌های زیادی در این باره شده است که چگونه این نویسنده‌ی بزرگ، این محبوب خوش سیمای زنان و پزشک آرمان‌گرا، بعدها مخالف سرسخت یهودیان شد و حتی برای دریافت جایزه‌ی ادبی خود هم نرفت. نباید از یاد برد که سلین «سفر به انتهای شب» را به همسر آمریکایی خود، الیزابت، تقدیم می‌کند. همین همسر بعد از جدایی از سلین به آمریکا باز می‌گردد و با مردی یهودی ازدواج می‌کند. عده‌ای بر این باورند که یهودستیزی سلین به همین دلیل بوده است. اما در هر حال در این زمینه نظرات گوناگونی وجود دارد. حتی در کتاب «زندگی من با سلین» اثر لوست سلین، همسر و همراه سلین از سال ۱۹۳۶ به بعد هم هیچ پاسخی برای این پرسش نمی‌توان یافت. شاید تنها اشاره‌های سلین به همسرش در مورد پارانوئیک خود در این زمینه راهگشای نظریه پردازان بعدی باشد.

بهار  
بیروتسروک

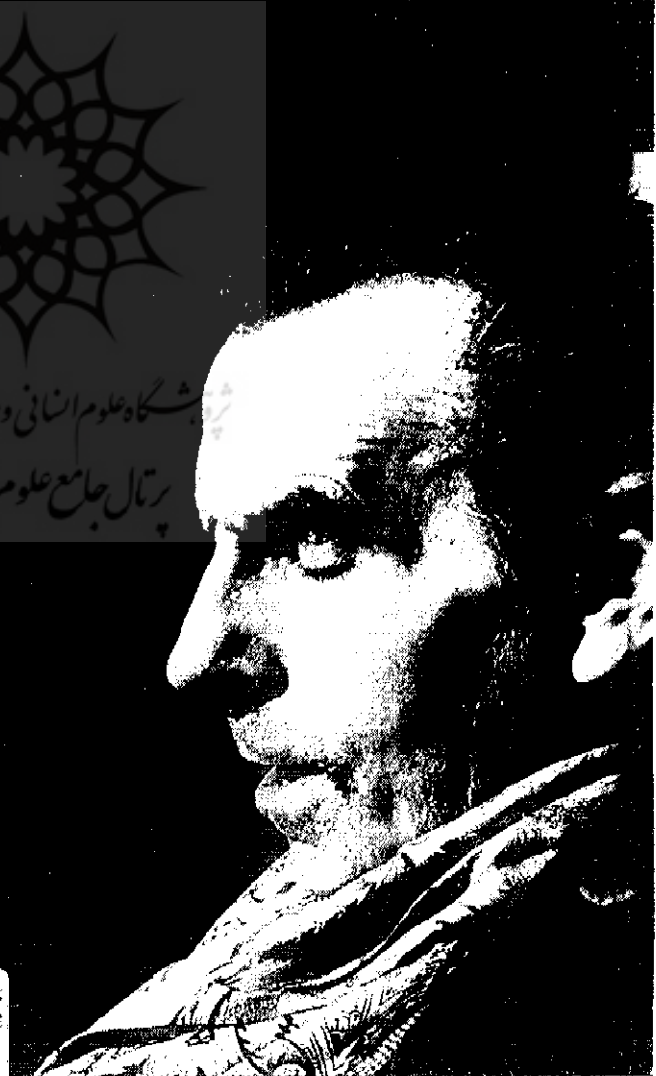
روالیک خانمان

توماس مان

علی اصغر حماد



نستروک



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی